

## نبوت زنان در قرآن مجید

زینب شکوری<sup>(۱)</sup>

«نبوت» آن است که از جانب خدا به یک فرد انسانی «وحی» نازل شود. در این صورت اگر آن شخص مرد باشد «نبی» و اگر زن باشد «نبیّه» نامیده می‌شود و معنای آن «پیامبری» از جانب خداوند است و جمع آن انبیاء است. انبیاء دارای مراتبی هستند به برخی از آنان وحی می‌شود فقط برای این که زندگی شخصی خود را بر وفق احکام الهی برنامه‌ریزی نمایند، ولی برخی دیگر علاوه بر تهذیب خویش، از جانب خداوند مأموریت و رسالت پیدا می‌کنند که دیگران را نیز هدایت، ارشاد و حتی گاهی رهبری و امامت نمایند و این دسته از پیامبران همان «رسولان» هستند که دارای رسالت اجتماعی می‌باشند. رسولان نیز یا خود دارای شریعت مستقل بوده‌اند مانند پیامبرانی همچون نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و محمد ﷺ، و رسالت جهانی داشته‌اند که آنان را پیامبران اولوالعزم می‌نامند و یا این که رسالت داشته‌اند تا شریعت پیامبر قبلی را در میان مردم تبلیغ نمایند و اینان اولوالعزم نیستند. بحث در این است که از میان انبوه انبیاء الهی که در میان اقوام و قبایل مختلف با زبان خود آن اقوام از جانب خداوند به نبوت رسیده‌اند<sup>(۲)</sup> آیا از جنس زنان نیز پیامبری وجود داشته است و یا این که انبیاء الهی همه از جنس مرد بوده‌اند؟

۱- کارشناس حقوق قضایی و عضو شورای حل اختلاف در تهران.

۲- خداوند متعال در آیات متعدد به این مسأله اشاره فرموده است که ما در میان همه ملل و اقوام پیامبران و رسولانی را فرستادیم و هیچ امتی را بدون آن که قبلاً پیامبری جهت ارشاد و هدایت‌شان نفرستیم، عذاب ناپود نکرده‌ایم. از جمله در آیه ۳۶ سوره نحل می‌فرماید: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ) و نیز در آیه ۱۵ سوره اسراء و آیه ۵۹ سوره قصص به این موضوع تصریح شده است.

در این جا در این‌که به شماری از زنان بزرگ تاریخ نیز مانند مردان از جانب خداوند «وحی» نازل می‌شده است هیچ تردیدی نیست، چرا که هم قرآن مجید و هم کتب مقدسی مانند تورات بدان تصریح دارند. فقط اختلاف نظر پژوهشگران در اینست که آیا این نوع نزول بر زنان موردی بوده و یا به انگیزه نبوت و حتی رسالت انجام گرفته است.

از جمله کسانی که در این باره پژوهش بالنسبه جامعی انجام داده و نبوت و رسالت زنان را ثابت نموده است آقای مرتضی فهیم کرمانی از فضلا و دانش آموختگان حوزه علمیه قم می‌باشد که کتاب «زن و پیامبری» را نوشته است.<sup>(۱)</sup>

در این جا ما با مروری در محتوای کتاب، برخی از آراء و ادله وی در این باره را در اختیار خوانندگان محترم می‌گذاریم. ایشان در فصل اول از بخش اول کتاب‌شان با عنوان «زن و پیامبری از نظر مکاتب آسمانی» پیامبری زنان در تورات و انجیل را مطرح ساخته و با نقل نصوصی از آنها در این زمینه نبوت و رسالت وحی رهبری و امامت اجتماعی برخی از پیامبران زن و یا به قول خود وی «نبیّه» را به اثبات رسانده و حتی اسامی شماری از آنان را مشخص گردانیده است، مانند پیامبری زنی به نام «دَبُورَه» (ص ۱۷-۱۵)، و پیامبری زنی به نام «خلده» (ص ۲۰-۱۸)، که در کتاب در اعمال رسولان، بدان تصریح شده است (ص ۲۱)، و نیز زن پیامبری به نام «حنّا»، یا حنّه که غیر از همسر عمران و مادر مریم مقدس می‌باشد. او درباره ظهور حضرت عیسی به همه منتظران نجات و رهایی مژده داده بوده (ص ۲۲) و نیز مریم بنت عمران و مادر وی را از پیامبران مهم بر شمرده است (ص ۲۵).

فهیم کرمانی در پایان این فصل از کتاب یوئیل نبی نقل می‌کند که یهوه خداوند یکتا از نظر یهودیان قول داده است: «...روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود...» (ص ۲۳).

فصل دوم از بخش اول کتاب آقای فهیم به موضوع «زن و پیامبری از نظر قرآن» اختصاص

۱- زن و پیامبری، نوشته مرتضی فهیم کرمانی، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم ۱۳۴۷.

دارد که از صفحه ۲۷ تا ۴۷ کتاب وی را در برمی‌گیرد. ایشان در این فصل با استدلال به آیات متعدد قرآن مجید با استحکام و استواری تمام نبوت حضرت مریم بنت عمران و مادر مریم به نام «حنّا» را بعنوان تنها مصداق قابل اشاره اصطلاح به کار رفته در قرآن با عنوان «آل عمران» به اثبات رسانده است.

وی با استدلال به آیه‌های ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَّ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَّ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>(۱)</sup> نبوت و رسالت حضرت مریم و مادر وی حنّا را به اثبات می‌رساند، آن هم در حد نبوت و رسالت آدم و نوح و ابراهیم عليهم السلام. چرا که از نظر تاریخی همه می‌دانیم که اصطلاح «آل عمران» مصداق خارجی جز مریم مادر مریم و پسر مریم حضرت عیسی ندارد، پس این هر سه نفر مانند آدم، نوح، آل ابراهیم از «مُصْطَفَيْنَ» یعنی پیامبران برگزیده‌اند.

چنان که لقب حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان خاتم الانبیاء «مصطفی» می‌باشد. (ر.ک ص ۴۷-۲۷).

آن‌گاه ایشان به عنوان نتیجه‌گیری کاربردی از این بحث پرداخته و راجع به کاربرد آن در زمانه ما می‌گوید: «شاید از محتوای آیات فوق و از آیات ذریّه و آل ابراهیم و آل عمران که در بعضی روایات به آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفسیر شده بتوان استفاده کرد؛ شرکت زن در امور عام و کارهای اجتماعی و سیاسی و عهده‌دار شدن مشاغل عمومی از قبیل تصدی امور سفارتخانه‌ها و غیره اشکالی نداشته باشد به شرطی که مانند مریم از تعلق به حقوق دیگران آزاد و بلا مانع و دارای شرایط و اوصاف مریم باشند که اولین شرطش «أَخْصَنَتْ فَرْجَهَا» وی ناموس و عفت خود را حفظ کرد» بود، به قسمی که دامن عفت خود را نه تنها از حرام که از حلال نیز نگه داشت و از کارهای ناپسند پرهیز کرد.

احتمالاً بعضی از نبوت و پیامبری‌ها که در بین بنی‌اسرائیل وجود داشته از همین قبیل بوده

۱- خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر جهان «اصطفاء» نمود یعنی با اعطاء مقام نبوت برگزید و برتری بخشید.

است، زیرا بسیاری از انبیاء یاد شده بنی اسرائیل پادشاه و زمامدار نیز بوده‌اند و در واقع عهده‌دار امور مزبور از طرف آن پیغمبری می‌شدند که رسول بوده است. چنان که در داستان در یوئیل و دبور و بسیاری موارد دیگر که در عهد عتیق و جدید بیان شده بیانگر همین معنی می‌باشند»<sup>(۱)</sup>

آقای فهیم کرمانی در فصل دوم از بخش اول کتابش زیرعنوان «زن و پیامبری از نظر روایات و عقل» به مباحث دامنه‌داری پرداخته است، ولی اول دلایل نبوت زنان از منظر مخالفان آن را آورده و سپس به نقد و رد آن‌ها می‌پردازد.

اولین مبحث وی دلیل اجماع است که بیضاوی آن را ادعا کرده و گفته است «خداوند نبوت را در میان قشر زن قرار نداده است» (ص ۵۰). کرمانی دلیل اجماع را رد کرده است و گفته است این به دلیل عدم جستجو و تحقیق کافی علما در منابع تاریخی و دینی بوده است. دیگر این که برخی از علمای بزرگ مانند ابو عبدالله محمد بن احمد قرطبی صاحب کتاب «تفسیر قرطبی» و شیخ تقی‌الدین بن سبکی در رساله حلبیات و ابن سید (بروزن عید) اندلسی مفسر و لغت‌شناس معروف و امثال آنان به صراحت یا تصریح نبوت برخی از زنان مانند حواء، آسیه، ام موسی، ساره، هاجر و بویژه حضرت مریم را یادآوری کرده و یا پذیرفته‌اند. «۵۶-۵۰»

وی آن‌گاه روایات و احادیث را مورد نقد و بررسی قرار داده او در این قسمت از بحث خود نه روایت را که از آن‌ها به نحوی ممنوعیت تصدی امور اجتماعی و سیاسی و اجرایی و از جمله نبوت به‌طور ضمنی استفاده می‌شود را مورد مطرح ساخته و با شیوه معمول در فقه و تفسیر به نقد و بررسی زنجیره سند این احادیث و محتوا (فقه الحدیث) آنها پرداخته و در نهایت همه آن‌ها را از نظر سند ضعیف و از نظر محتوا در دلالت به مقصود ناقص و ناوارد دانسته است. «ص ۱۲۷-۱۲۵».

یکی از این روایات که فهیم کرمانی به نقد و بررسی آن پرداخته روایت معروفی است که در منابع اهل سنت و به نقل از آن‌ها بعضاً در منابع شیعی نیز آمده است. متن آن این است که گویا

وقتی که «رسول خدا» شنیده است بعد از مردن و یا کشته شدن یکی از پادشاهان (کسری) ایران در آن زمان، زنی به عنوان پادشاه جانشین او شده و در این باره فرموده است: «لَنْ يَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ إِمْرَأَةٌ» یعنی مردمی که پیشوای خود را یک زن قرار بدهند هرگز به نجات و رستگاری نخواهند رسید.

کرمانی، با بررسی زنجیره سند و راویان این خبر آن را غیرقابل استناد تشخیص داده و جبران این ضعف را منوط به ضمیمه شدن ادله قطعی دیگر نموده است که آن ادله وجود ندارند (ص ۸۹-۸۴). وی در بخش دیگری از کتاب خود حضرت فاطمه دختر حضرت محمد خاتم الانبیاء را صاحب مقام و منزلت نبوت شخصیه تشخیص داده که به وی وحی می‌شده است و خطبه وی در مسجدالنبی بعد از رحلت پیامبر را نیز خطبه‌ای پیامبرگونه و آکنده از حکمت‌ها و اسرار الهی دانسته است که در عین حال پیرو شریعت پدرش حضرت محمد ﷺ بوده است. آقای فهیم کرمانی بخش‌هایی از خطبه فاطمه زهرا را به خوبی شرح و توضیح داده است. (ص ۲۳۴-۱۸۱) مؤلف کتاب «زن و پیامبری» در مواردی از کتاب خود برای اثبات مقام قضاوت و منصب فتوا برای زنان بخش‌هایی گشوده است که بسیار مفید است. وی از صفحه ۱۵۲ تا ۱۵۹ کتاب را به بررسی منصب قضاوت برای زن از نظر فقهای اسلام قرار داده و آن را در بین فقها «یک مسأله اختلافی» عنوان کرده و فتاوی مخالف و موافق را از کتب چهره‌هایی همچون شیخ طوسی، مقدس اردبیلی، علامه مجلسی بزرگ و حاج سیداحمد خوانساری نقل کرده است و در نتیجه این بحث وجود اجماع برای شرط ذکوریت در قاضی را که مورد استناد صاحب ریاض و صاحب مسالک بوده، مردود دانسته است (ص ۱۵۷).

وی همچنین زیر عنوان «ملحقات» به اثبات چند منصب طبق روایات برای زنان پرداخته است که عبارتند از:

منصب ققاهت و فتوا (ص ۲۴۳-۲۳۸)، منصب قضاء (ص ۲۴۴)، ارجاع امام صادق علیه السلام که مردم مسائل شرعی خود را از بانو حمیده مصفاة مادر امام موسی کاظم یاد بگیرند. (ص ۲۴۶). منصب اجتماعی و دینی و سیاسی مهم دیگری که وی طبق منابع شیعی برای زنان اثبات

نموده است وکالت و نیابت و قائم مقامی برخی از ائمه معصومین علیهم السلام است که از جمله موارد ذیل را ذکر کرده است:

«سوسن» مادر امام حسن عسکری که از حجة بن الحسن - امام زمان علیه السلام - نیابت داشته است. (ص ۲۵۱-۲۴۹) زینب دختر امام علی بن ابیطالب علیه السلام که بعد از امام حسین در کربلا در زمان حیات امام زین العابدین مقام نیابت امام حسین علیه السلام را داشت. (ص ۲۵۴-۲۵۲) حکیمه دختر امام جواد علیه السلام نیز دوره چهار امام معصوم یعنی امام جواد، امام علی النقی، امام حسن عسکری و امام عصر حضرت مهدی عجل الله فرجه را درک کرده است. ولی بعد از وفات امام حسن عسکری نیابت و منصب سفارت امام عصر حضرت مهدی را داشته است (ص ۲۷۰ - ۲۵۵).

آخرین زنی که ایشان در کتاب نام می برد بانو «حمیده» همسر امام صادق علیه السلام و مادر امام موسی کاظم است که حضرت به هنگام رحلت خود، پنج تن را وصی، خود معرفی کرده که یکی از آنان «حمیده» بوده است. (۲۷۳-۲۷۱)

وی در پایان کتابش از زنانی مانند ام سلمه همسر رسول خدا، ام احمد همسر امام موسی کاظم و فاطمه دختر امام حسین نام برده و آنان را از جمله رازداران و امانتداران پیامبر و ائمه معصومین در «موارد خاص» معرفی کرده است. (۲۷۹-۲۷۴).

این بود معرفی اجمالی و چکیده‌ای از محتوای کتاب زن و پیام‌آوری که قصد معرفی آن را داشتیم.